

بسم الله الرحمن الرحيم

رابطه روز جمعه با ظهور امام زمان (ارواحنا له الفداء)

از دیدگاه روایات

زهرا قطب الدینی فخرآباد^۱

چکیده

تصریح برخی از روایات مشهور میان عرف خاص و عام آن است که امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در روز جمعه ظهور می‌کند؛ اما روایات دیگری نیز هست که صراحت در ظهور آن حضرت در روز شنبه دارد. پرسش این است که کدام یک از این دو دسته از روایات معتبر است؟ بررسی‌های انجام شده در این مقاله نشان می‌دهد که بر خلاف شهرت روز جمعه، براساس اسناد، امکان تحقق ظهور در روز شنبه بیشتر است، در عین حال که می‌توان میان این دو دسته از روایات را به نوعی جمع کرد. این مقاله به صورت توصیفی-نقلی و به روش کتابخانه‌ای، به بررسی برخی روایات بیانگر روز ظهور توانسته میان این دو دسته از روایات را جمع کند، به گونه‌ای که می‌توان ادعا کرد روز جمعه روز ظهور برای خواص و روز شنبه روز ظهور برای عموم مردم است.

کلید واژه: امام زمان، روز جمعه، ظهور، غیبت، ولادت

^۱ طلبه پایه پنجم مدرسه علمیه فاطمه الزهرا اردکان

Zahra.ghotbodiny@gmail.com

انسان گاه در منابع مکتوب و غیرمکتوب یا در افواه اهل علم، با جملات مشهوری به اسم حدیث مواجه می‌شود که قاطبه اهل تحقیق و تدقیق را از تفحص در اصالت آن‌ها منصرف کرده است؛ اما هنگامی که به منابع معتبر حدیثی مراجعه می‌شود، اثری از آن‌ها پیدا نمی‌شود. از باب نمونه می‌توان به جمله منسوب به پیامبر (صلی الله علیه و اله) که: «هرکس مرا به خروج ماه صفر بشارت دهد، من او را به بهشت بشارت می‌دهم» یا «حسنات الأبرار سیئات المقربین» اشاره کرد. این مشهورات گاه در قالب یک کلام مطرح اند، مانند نمونه‌هایی که ذکر شد و گاه در قالب یک تفکر، باور و اندیشه که تصور می‌شود، منشأ دینی دارد؛ مانند عطسه را نشانه صبر دانستن که در میان عامه مردم مطرح است.

یکی از این باورها که هم شهرت سابقه دار و هم دامنه گسترده‌ای در میان آحاد جامعه مهدوی دارد، مسئله تعیین روز ظهور امام زمان (ارواحنا له الفداء) در روز خاصی از روزهای هفته است. در میان عامه مردم و عموم خواص، چنین مشهور است که روز ظهور امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، روز جمعه است. خطابه‌ها و رسانه‌ها، مطبوعات و منشورات، اهل قلم و اهل هنر، همه و همه، با این مدعای مشهور هم‌نوا هستند. این مسئله چنان شهرت دارد که در نگاه قریب به اتفاق منتظران و آحاد جامعه منتظر، از مسلمات و قطعیات تردیدناپذیر محسوب می‌شود.

اشعار معروف شاعران معاصر، مانند «شاید این جمعه بیاید شاید...»، «باز به انتظار تو جمعه غروب می‌شود»، از یک سو بیانگر این مدعاست و از سوی دیگر، با اقبال گسترده‌ای که این اشعار در سطح جامعه روبه رو شده، خود، نظریه تحقق ظهور در روز جمعه را در لایه‌های مختلف جامعه تعمیق مضاعف بخشیده است. سؤال‌های مطرح این است که:

آیا در روایات وارده از سوی معصومین (علیهم السلام) برای ظهور امام زمان (ارواحنا له الفداء) روز خاصی از ایام هفته مطرح شده است؟ اگر مطرح شده است، آن روز چه روزی است؟ جمعه یا شنبه یا روزی دیگر از ایام هفته؟ اصولاً منشأ قول به ظهور در روز جمعه و شهرت آن چیست؟ و بالأخره آنکه می‌دانیم امام زمان (ارواحنا له الفداء) در یکی از ایام هفته ظهور خواهند کرد، اصولاً دانستن اینکه امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در جمعه ظهور خواهند کرد یا شنبه یا روزی دیگر از روزهای هفته چه فایده‌ای دارد؟

در سال‌های اخیر که مباحث مهدویت رو به فزونی نهاده، در کنار نگاه سایر مباحث مهدویت، بعضاً اشاراتی تحلیل‌گونه به مباحث روز ظهور نیز شده است؛ از جمله علامه کورانی در کتاب عصر ظهور (1379 ش، ص 321)، آیت‌الله محمدجواد خراسانی در کتاب مهدوی منتظر (1388 ش، ص 243)، سید علی‌اکبر ربیع نتاج و سید محسن موسوی و علی تفریحی در مقاله بررسی روایات تعیین روز ظهور (1394 ش)، محمد سبحانی‌نیا در مقاله تحلیل حدیث شناسانه تعیین وقت ظهور (1395 ش)، به این موضوع پرداخته‌اند.

ما تلاش می‌کنیم تا در این نوشتار، پاسخ پرسش‌های فوق را با استفاده از منابع معتبر روایی ارائه کنیم.

1_ مفهوم شناسی

گام اول در هر پژوهشی ارائه‌ی تعریفی روشن از مفاهیم آن پژوهش است تا با بررسی آن‌ها فهم بهتری از موضوع حاصل شود.

1-1- روز جمعه:

واژه جمعه، از ریشه "ج م ع" به معنای گرد آوردن و پیوستن، نام آخرین روز هفته مسلمانان است که به فارسی، "آدینه" نامیده می‌شود. ابن فارس در این باره می‌نویسد: جیم، میم و عین، دارای یک ریشه معنایی است که بر گردهمایی چیزی دلالت دارد و به همین مناسبت، مکان گردهمایی در مکه (مُزْدَلِفَةُ) "جَمْع" نامیده شده و همچنین روز جمعه.¹

بر پایه برخی گزارش‌های تاریخی، پیش از هجرت پیامبر (صلی الله علیه و آله)، مسلمانان ساکن در مدینه - که "انصار" خوانده می‌شوند - بر آن شدند تا همانند یهود و نصارا - که در روز خاصی از هفته، گردهمایی عمومی داشتند - خود نیز یکی از روزهای هفته را به این امر اختصاص دهند. بدین منظور، روزی را که تا آن روزگار، "عروبه" نامیده می‌شد، انتخاب کردند و آن را جمعه نامیدند: مردم مدینه، پیش از مهاجرت پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) به این شهر و پیش از نازل شدن سوره جمعه، اقدام به برپایی نماز جمعه کردند و این روز را جمعه نامیدند. انصار گفتند: یهود و نصارا را در هر هفته، روزی است که هر یک در آن اجتماع می‌کنند. بیاید ما نیز روزی را قرار دهیم تا گردهم آئیم و خدا را یاد کنیم و نماز برپا داریم و او را سپاس بگذاریم و سخنانی از این

¹ ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج 1، ص 479

دست. آن گاه گفتند: شنبه از آن یهود است و یکشنبه از آن نصارا. "عروبه" را روز اجتماع خود قرار دهید و آنان در آن روزگار، روز جمعه را عروبه می خواندند. پس همگی نزد اسعد بن زراره گرد آمدند و وی آن روز، همراه آنان نماز گزارد و خداوند را به آنان یادآوری کرد و آنان آن روز را جمعه نام نهادند تا در آن، گردهم آیند. آن گاه اسعد بن زراره، گوسفندی را برایشان قربانی کرد و آنان به دلیل کمی نفراشان همگی از همان یک گوسفند، نهار و شام خوردند. در پی آن بود که خداوند، این آیه را فرو فرستاد: (ای کسانی که ایمان آورده اید! هرگاه برای نماز روز جمعه بانگ داده شود، به سوی یاد خدا بشتابید...) ^۱ با این حال، گزارش دیگری حاکی از آن است که کعب بن لؤی، جدّ پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) نخستین کسی است که این روز را جمعه نامید. ^۲

1-2- ظهور:

ظهور در لغت به معنای آشکار شدن امر مخفی و پیروزی و اطلاع بر آن آمده است ^۳ و بنابر بیان مقایس الغله، «ظهر» اصلی است که بر بروز و قوت دلالت دارد از این رو وقت زوال خورشید را ظُهر گفته اند چرا که بارزترین و آشکارترین اوقات روز است و شتر قوی و انسان مددکار را ظهیر نامیده اند. ^۴ در اصطلاح به ظاهرشدن حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) پس از یک دوران پنهان زیستی طولانی، برای قیام و برپایی حکومت عدل جهانی معنا شده است. ^۵

^۱ . جمعه: آیه ۹.

^۲ عبد الرزاق، المصنّف، ج ۳، ص ۱۵۹، ح ۵۱۴۴ / تفسیر القرطبی، ج ۱۸، ص ۹۸ / تفسیر الثعلبی، ج ۹، ص ۳۰۹ / الدر المنثور، ج ۸ ص ۱۵۹ / طبرسی، مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۴۳۱ / طبرسی، تفسیر جوامع الجامع، ج ۴، ص ۲۹۲ / مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۹، ص ۱۲۵، ذیل ح ۹

^۳ ابن منظور، لسان العرب، ج ۸، ص ۵۸

^۴ فراهیدی، العین، ج ۴، ص ۳۷

^۵ ابن فارس، معجم مقاییس الغله: 618-619

^۶ صدر، سیدمحمد، تاریخ پس از ظهور، ص ۱۷۰-۱۷۱

1-3- امام زمان (ارواحنا له الفداء):

کلمه «امام» یعنی پیشوا، کلمه «پیشوا» در فارسی، درست ترجمه تحت اللفظی کلمه «امام» است در عربی. خود کلمه امام یا پیشوا مفهوم مقدسی ندارد. پیشوا یعنی کسی که پیشرو است و عده‌ای تابع و پیرو او هستند اعم از آن که پیشوا عادل و هدایت کننده و راه یافته باشد، یا باطل و ستمگر و گمراه باشد.¹

قرآن کریم هم کلمه امام را در هر دو مورد به کار برده است. در یکجا می‌فرماید: «وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَمًا يَهْدُونَ بَأْمَرِنَا»² ما آن‌ها را پیشوایان قرار دادیم که هدایت به امر ما می‌کنند. و در جای دیگر می‌فرماید: «أُمَمٌ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ»³ امامانی که به سوی آتش دعوت می‌کنند.

بنابراین امام از جهت لغت به معنای پیشوا و رهبر است؛ اعم از اینکه پیشوای حق باشد یا رهبر باطل، و امام زمان یعنی پیشوای زمان خودش و رهبر جامعه و مردم عصرش؛ اما امام از نظر اصطلاح، و امام زمان از منظر عرف مسلمانان و به ویژه شیعیان، مفهوم بسی گسترده‌تر بوده و دارای حدود بیشتر از آنچه که در لغت گفته می‌شود می‌باشد و شاید تعریف جامع و کاملی که اصطلاحاً می‌توان از امام کرد این است که امام پیشوایی است که دارای: «... ولایتی است الهی بر مردم از جانب پروردگار متعال که جامع تمام شئون دین و دنیا است همراه با علم و دانش به تمام احکام الهی و تفسیر آن، اضافه بر آن امام مسئول تربیت ظاهری و باطنی انسان‌ها است، همراه با عصمت از خطا و گناهان به تأیید الهی»⁴.

بر اساس این تعریف امام زمان یعنی کسی که به غیر از نبوت، در جمیع شئون دیگر جانشین پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌باشد یعنی هم رهبری سیاسی اجتماع را بر عهده دارد و هم دارای مقام مرجعیت دینی جامعه است و هم ولایت الهی در دو بعد تکوین و تشریع بر جهان دارد و امام زمان یعنی پیشوای هر عصر و زمان که دارای این اوصاف و ویژگی‌ها باشد و واجد چنین خصوصیات و امتیازات است، اگر چه ممکن است در ظاهر و بخاطر موانعی در برخی از اعصار مانند زمان غیبت بعضی از این شئون فعلیت و تحقق ظاهری نداشته باشد؛ اما شخصیت و کسی که دارای چنین ویژگی‌ها و استعداد و منصبی است، امام زمان محسوب می‌شود و در عصر حاضر

¹ فرهنگ فارسی معین

² انبیاء: 73.

³ قصص: 1.

⁴ مکارم شیرازی، ناصر، امامت، ص 19،

پس آنان امام را تنها نمی‌گذارند تا اینکه از گردنه کوه طوی با 313 مرد به تعداد رزمندگان جنگ بدر، فرود می‌آید و وارد مسجدالحرام می‌شود و در مقام ابراهیم (علیه السلام) چهار رکعت نماز می‌خواند و به حجرالأسود تکیه می‌زند و پس از حمد و ثنای خدا و یاد و نام پیامبر (صلی الله علیه واله وسلم) و درود بر او، لب به سخن می‌گشاید به گونه ای که هیچ‌یک از مردم، چنان سخن نگفته باشد. پس اولین کسانی که با او بیعت می‌کنند، جبرئیل و میکائیل هستند. سپس آن سیصد نفر و تعداد اندکی از مردم مکه با او بیعت می‌کنند.¹

درباره زمان ورود سیصد و سیزده نفر یاران امام به مکه، از امام صادق (علیه السلام) روایت شده است: «پس اینان سیصد و سیزده نفر هستند که خداوند (عزَّ وَجَلَّ) در یک شب که شب جمعه است آنها را در مکه گرد می‌آورد و در همان مکه در بیت الله الحرام، شب را صبح می‌کنند.»² و درباره زمان ورود امام به مکه و مسجدالحرام نیز از امام باقر (علیه السلام) روایت شده است که فرمود: «آنگاه مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در هنگام عشاء ظاهر می‌شود... و چون نماز عشاء را به جا آورد، با صدای بلند گوید: ای مردم، خدا را و آن لحظه‌ای را که در برابر پروردگارتان خواهید ایستاد، به یاد شما می‌آورم.»³

حاصل مجموع این روایات این است که یاران خاص امام، یعنی همان 313 نفر معهود، در شب جمعه وارد مکه می‌شوند و شب را در آنجا صبح می‌کنند. روز جمعه در کوه ذی طوی به خدمت امام می‌رسند. در آنجا حضرت برایشان از اینکه مردم مکه او را نمی‌خواهند، سخن می‌گویند و برای اتمام حجت، جوانی پاک را که در روایات به «نفس زکیه» معروف است از میان یاران خود به سوی مردم مکه می‌فرستد تا مردم مکه را به یاری آن حضرت فرا بخواند. اما مردم مکه [که ظاهراً مأمورین حکومتی حجاز باشند] او را به شهادت می‌رسانند. امام که از شهادت نفس زکیه مطلع می‌شوند، در بعدازظهر روز جمعه در میان آن 313 نفر به سمت مکه حرکت می‌کنند و در هنگام عشاء وارد مسجدالحرام می‌شوند و نماز عشاء را پشت مقام ابراهیم (علیه السلام) می‌خوانند. بعد از نماز عشاء، نماینده امام، آن حضرت را به مردم حاضر در مسجدالحرام معرفی و برنامه دعوتش را به آنها اعلام می‌کند. پس از آن، خود امام بر می‌خیزند و به سخنرانی می‌پردازند. پس از سخنان امام، ابتدا جبرئیل و میکائیل و سپس آن 313 نفر و نیز تعداد اندکی از مردم حاضر در مسجدالحرام با آن حضرت بیعت می‌کنند؛ در واقع ظهور رسمی بعد از نماز عشاء شب شنبه آغاز می‌گردد، آن‌گاه در روز بعد که روز شنبه و مصادف با عاشوراست، سخنرانی عمومی

¹ همان، ج 52، ص 307

² ابن طاووس، التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن، ج 1، ص 378

³ همان، ج 1، ص 137

خود را برای مردم سراسر جهان آغاز می‌کنند و پرده از نقاب غیبت برمی‌گیرد و عالم را به نور جمال خویش منور می‌سازند.

بنابراین، آن ظهوری که مردم انتظار آن را میکشند و در دعا‌های ندبه خود با زبان «مَتی ترانا و نَراک» با آن حضرت به نجوا می‌پردازند، در روز شنبه اتفاق می‌افتد نه جمعه.

نتیجه گیری

با وجود شهرت این باور که «جمعه، روز ظهور امام زمان» است، تنها یک روایت و یک دعا که صدور آن از معصوم (علیه السلام) مورد تردید است، در این باره وارد شده است. اما از آن سو، چندین روایت با سند نسبتاً معتبر وجود دارد که شنبه را روز ظهور معرفی کرده‌اند. «انتساب روز جمعه به امام زمان ارواحنا له الفداء» در پاره‌ای از روایات، «تولد امام زمان در روز جمعه» و «ورود دعای ندبه در این روز»، از عوامل مهمی است که موجب تقویت و شهرت ذهنیت ظهور در روز جمعه شده‌است. در این میان، از نقش دو کتاب بحارالأنوار و مفاتیح الجنان در گسترش این ذهنیت نمی‌توان چشم پوشید.

بررسی‌های انجام‌شده نشان می‌دهد احتمالاً ظهور امام زمان در دو مرحله انجام می‌گیرد: مرحله اول ظهور برای خواص یاران آن حضرت، یعنی همان 313 نفر است که در روز جمعه صورت می‌پذیرد و مرحله دوم برای عموم مردم عالم است که احتمالاً در روز شنبه می‌باشد. اگر مشتاقان ظهور، منتظر وقوع ظهور در روز جمعه باشند، اما امام (علیه السلام) در روز شنبه ظهور کنند، ممکن است عده ای ظهور را باور نکنند و روند ظهور با مشکل مواجه شود؛ از این رو در کنار پرداختن به روز جمعه، از معرفی روز شنبه به عنوان روز ظهور - حداقل در حد یک احتمال - نباید غافل بود.

منابع

قرآن کریم، ترجمه: مکارم شیرازی.

مفاتیح الجنان.

کتاب

1. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی، خصال، تصحیح علی اکبر غفاری، چ 1، قم: جامعه مدرسین، 1362 ش.
2. _____، کمال الدین و تمام النعمه، تحقیق علی اکبر غفاری، چ 2، تهران: انتشارات اسلامی، 1395 ق.
3. _____، من لایحضره الفقیه، تحقیق علی اکبر غفاری، چ 2، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه، 1413 ق.
4. ابن داوود، حسن بن علی، رجال ابن داوود، چ 1، تهران: دانشگاه تهران، 1342 ش.
5. ابن طاووس، علی بن موسی، جمال الأسبوع بکمال العمل المشروع، چ 1، قم: دارالرضی، 1330 ق.
6. _____، الاقبال بالأعمال الحسنة، تحقیق قیومی جواد اصفهانی، چ 1، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، 1376 ش.
7. _____، الأمان من أخطار الأسفار و الأزمات، تحقیق مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، چ 1، قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، 1409 ق.
8. _____، التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن، تحقیق مؤسسه صاحب الأمر، چ 1، قم: مؤسسه صاحب الأمر (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، 1416 ق.
9. برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، چ 2، قم: دارالکتب الاسلامیه، 1371 ق.
10. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الأئمه، چ 2، بیروت: دارالاضواء، 1405 ق.
11. بحرانی، سیدهاشم بن سلیمان، حلیه الأبرار فی أحوال محمد و آله الأطهار (علیهم السلام)، چ 1، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1411 ق.
12. جزائری، نعمت الله بن عبدالله، ریاض الأبرار فی مناقب الأئمه الأطهار، چ 1، بیروت: مؤسسه التاریخ العربی، 1427 ق.

13. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، چ 1، قم: مؤسسه آل البيت(عليهم السلام)، 1409ق.
14. _____، إثبات الهداه بالنصوص والمعجزات، چ 1، بیروت: اعلمی، 1425ق.
15. حلّی، حسن بن یوسف، رجال علامه حلّی، تصحیح محمد صادق بحر العلوم، چ 2، نجف اشرف: دار الذخائر، 1411ق.
16. حلّی، رضی الدین علی بن یوسف بن المطهر، العدد القویه لدفع المخاوف الیومیه، چ 1، قم: کتابخانه مرعشی نجفی، 1408ق.
17. خراسانی، محمد جواد، مهدی منتظر(عليهم السلام)، چ 14، قم: دارالاصفیا، 1383ش.
18. خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، ترجمه علی اسلامی، چ 18، قم: دفتر انتشارات اسلامی، 1379ش.
19. خویی، سید ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث، قم: مرکز نشر آثار شیعه، 1410ق.
20. ربانی، محمدحسن، دانش درایه الحدیث، چ 6، مشهد: دانشگاه علوم رضوی، 1389ش.
21. الساده، مجتبی، الفجر المقدس المهدی(عجل الله تعالی فرجه الشریف) و ارهاصات الیوم الموعود(شش ماه پایانی)، ترجمه محمود مطهری نیا، چ 6، تهران: موعود عصر، 1388ش.
22. صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، چ 2، قم: مؤسسه حضرت معصومه(عليهم السلام)، 1421ق.
23. طبرسی، فضل بن حسن، إعلام الوری بأعلام الهدی(ط-القدیمه)، چ 3، تهران: اسلامی، 1390ق.
24. _____، تاج الموالید، چ 1، بیروت: دارالقاری، 1422ق.
25. _____، تاج الموالید، چ 1، بیروت: دارالقاری، 1422ق.
26. طوسی، محمد بن حسن، فهرست کتب الشیعه أصولهم و أسماء المصنّفين و أصحاب الأصول، چ 1، قم: ستاره، 1420ق.
27. _____، کتاب الغیبه للحجه، تصحیح عبادالله تهرانی وعلی احمد ناصح، چ 1، قم: دارالمعارف الإسلامیه، 1411ق.
28. طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، تصحیح حسن الموسوی، چ 4، تهران: دارالکتب الإسلامیه، 1407ق.
29. _____، رجال طوسی، تصحیح جواد قیومی اصفهانی، چ 3، قم: دفتر انتشارات اسلامی، 1373ش.
30. فتال نیشابوری، محمد بن احمد، روضه الواعظین و بصیره المتعظین(ط-القدیمه)، چ 1، قم: انتشارات رضی، 1375ش.

31. فیض کاشانی، محمد بن محسن بن شاه مرتضی، الوافی، چ 1، اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی(علیه السلام)، 1406ق.
32. قرمانی، احمد بن یوسف، اخبار الدلول و آثار الاول فی التاریخ، تحقیق احمد حطیط و فہمی سعد، بیروت: عالم الکتب، بی تا.
33. قمی، حاج شیخ عباس، کلیات مفاتیح الجنان، چ 9، مشهد: ہاتف، 1376ش.
34. کشی، محمد بن عمر، اختیار الرجال، انتشارات دانشگاه مشهد، 1348ش.
35. کورانی، علی، عصر ظہور، ترجمہ عباس جلالی، چ 3، بی جا: شرکت چاپ و نشر بین الملل سازمان تبلیغات اسلامی، 1379ش.
36. متقی ہندی، علاء الدین علی بن حسام الدین، البرہان فی علامات مہدی آخرالزمان، تحقیق علی اکبر غفاری، تہران: رضوان، 1399ق.
37. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، چ 2، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، 1403ق.
38. مجلسی، محمدباقر، دارالکتب الإسلامیہ، تہران، 1378ش، ج 51، ص 7-15.
39. _____، ملاذالآخیار فی فہم تہذیب الأخبار، چ 1، قم: کتابخانہ مرعشی نجفی، 1406ق.
40. مفید، محمد بن محمد، الارشاد فی حجج اللہ علی العباد، تصحیح مؤسسہ آل البیت (علیہم السلام)، چ 1، قم: کنگرہ شیخ مفید، 1413ق.
41. نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی، چ 6، قم: مؤسسہ انتشارات اسلامی وابستہ بہ جامعہ مدرسین حوزہ علمیہ قم، 1365ش.
42. نعمانی، محمد بن ابراہیم، الغیبہ (لنعمانی)، تصحیح علی اکبر غفاری، چ 1، تہران: نشر صدوق، 1397ق.
43. نوری، حسین بن محمدتقی، کشف الأستار عن وجہ الغائب عن الأبصار، تہران: مکتبہ نینوا، بی تا.

سایت

44. نصر اصفہانی، اینترنت، ظہور امام دوازدهم (www.m-nasr.com).